

نوع مقاله: ترویجی

قدرت نرم و قدرت معنوی در اسلام؛ جستاری مقایسه‌ای

Gmail:mirza.agheli2313@gmail.com

میرزا محمد عاقلی گوکی / کارشناس ارشد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

omidimah@gmail.com

مهدی امیدی نقلبری / دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

چکیده

با فروپاشی شوروی، توانایی ایجاد جذابیت در قدرت تحت عنوان قدرت نرم وارد مباحث سیاسی شد. همچنین با پیروزی انقلاب اسلامی و احیاء نقش دین در سیاست، قدرت معنوی در مباحث سیاسی مطرح گردید. در نتیجه، نسبت بین این دو نوع از قدرت، به دلیل بدیع بودن طرح مباحث مربوط به آنها، دغدغه برخی نظریه‌پردازان علوم سیاسی گردید. از این رو، پژوهش پیش‌رو با روشی تحلیلی - مقایسه‌ای درصدد بیان تفاوت‌های قدرت معنوی در اسلام با قدرت نرم است، تا مشخص کند که قدرت معنوی در اسلام از منابع مولد قدرت نرم نیست و خود نوعی دیگر از قدرت، به موازات قدرت نرم و سخت است. بنابراین مؤلفه‌های مفهومی قدرت معنوی در اسلام و همچنین منابع مولد آن، ابزارهای به فعلیت رسیدن و نتایج حاصله از قدرت معنوی در اسلام با قدرت نرم متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، معنویت، قدرت معنوی، منابع قدرت، ابزار قدرت، فرآیند تولید قدرت، نتایج قدرت.

مقدمه

زمینه قدرت نرم و مباحث مربوط به آن، تألیفات زیادی وجود دارد که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

(۱) آثاری که صرف مفهوم قدرت را بررسی می‌کنند؛ مانند کتاب *قدرت* (میراحمدی، ۱۳۹۲)؛

(۲) آثاری که به بیان مؤلفه‌های قدرت در دو حوزه سخت و نرم می‌پردازند؛ مانند کتاب *آینده قدرت* (نای، ۱۳۹۲)، که به مسائل و موضوعات مربوط به قدرت نرم و سخت پرداخته و در انتها مباحث مربوط به قدرت هوشمند را بیان می‌کند؛

(۳) تألیفاتی که مباحث مربوط به قدرت نرم را بررسی می‌کند که خود دو دسته‌اند:

الف) آثاری که صرف قدرت نرم را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ مانند کتاب *قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل* (نای، ۱۳۸۹)، که به بررسی ماهیت متغیر قدرت در جهان و به‌طور خاص منابع قدرت نرم می‌پردازد؛

ب) آثاری که مربوط به قدرت نرم انقلاب اسلامی هستند؛ مانند کتاب *منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل* (شجاعی، ۱۳۹۸). اما در زمینه قدرت معنوی کتابی مجزا وجود ندارد که به بیان تمام زوایا و مسائل مربوط به آن پرداخته باشد. لکن در میان بخش‌ها و فصولی از برخی کتب می‌توان مباحثی مربوط به قدرت معنوی الهی را جست؛ مانند کتاب *مؤلفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی ایران* (محمدی، ۱۳۹۶)، که هم مؤلفه‌های قدرت نرم و قدرت سخت انقلاب اسلامی و هم قدرت معنوی انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند و هر سه مورد را از هم جدا می‌داند؛ ولی این کتاب درصدد مقایسه قدرت نرم با قدرت معنوی نیست. در بین پژوهش‌های انجام‌شده هم می‌توان به مقاله «قدرت معنوی در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی» (جمال‌زاده و حسینی‌تبار، ۱۳۹۷) اشاره کرد که مفهوم قدرت معنوی در اسلام را بیان می‌کند؛ ولی این پژوهش هم درصدد مقایسه قدرت معنوی الهی با قدرت نرم نمی‌باشد.

با بیان ادبیات موجود، ضرورت این پژوهش آشکار می‌گردد؛ زیرا این پژوهش به مقایسه قدرت نرم و قدرت معنوی الهی پرداخته و تفاوت‌های آنها را آشکار می‌کند و در ضمن بیان فرایند به فعلیت رسیدن هریک از این دو نوع قدرت، مانع از این می‌شود که قدرت

«قدرت» پربسامدترین واژه در علوم سیاسی است که به‌دلیل کثرت اصطلاحات و مفاهیم اخذشده از آن، همواره بین اندیشمندان علم سیاست در درک و تعریف آن اختلاف وجود داشته است؛ و به گفته جوزف نای قدرت مثل عشق است و بهتر است آن را حس و تجربه کنی تا تعریف (نای، ۱۳۸۷، ص ۹۵). اما در بستر اجتماعی می‌توان این‌گونه بیان کرد که قدرت به‌معنای توانایی همراه کردن دیگران با اهداف خویش به‌وسیله اجبار، خشونت، تطمیع، اغواء و اقناع است (عالم، ۱۳۷۳، ص ۹۱). در مباحث فلاسفه کلاسیک همواره منابع کمی قدرت که دارای فاکتور اجبار و تهدید یا تطمیع و تشویق، که قدرت سخت نام دارد، مورد بحث و تبادل آراء بوده و آن را به‌عنوان یگانه منبع قدرت می‌شناختند؛ اما امروزه با پیشرفت علم و فناوری در عصر جدید، جهانی‌شدن، ظهور رسانه‌ها و مطرح شدن افکار عمومی در مباحث روابط بین‌الملل، عنصر جذابیت‌آفرین بودن به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی برای قدرت مطرح شده است. جوزف نای، قدرت مبتنی بر جذابیت را قدرت نرم نامید، که به‌جای اجبار بر مباحث اقناع‌سازی استوار است. در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دوباره دین به‌عنوان منبع تازه‌ای برای قدرت سیاسی وارد مباحث سیاسی شد. از آنجاکه در دین اسلام و تمام ادیان توحیدی بر معنویت به‌عنوان عنصری اصلی از تعالیم ادیان تأکید فراوان شده است؛ در انقلاب اسلامی هم که انقلابی فرهنگی است، معنویت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

میشل فوکو می‌نویسد: «قدرت نرم این انقلاب در پیام معنوی آن نهفته است که به جهان مخابره می‌کند؛ جهانی که مادیت صرف آن را فرا گرفته و سیاست آن را به‌شدت از دین و معنویت خالی کرده است» (فوکو، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

با توجه به اینکه قدرت نرم ناظر به منابع کیفی قدرت است و از منابع سخت و مادی قدرت بهره‌ای ندارد، و معنویت و قدرت معنوی هم با مادیت و قدرت سخت متفاوت است، نسبت‌سنجی بین این دو نوع از قدرت وارد مباحث علوم سیاسی شده است. این پژوهش با مقایسه بین این دو نوع از قدرت به بیان تفاوت‌های آنها می‌پردازد تا مشخص کند که این دو نوع قدرت به موازات یکدیگر قرار دارند؛ نه اینکه یکی از آنها به‌عنوان منبعی مولد برای دیگری باشد.

در زمینه ادبیات این موضوع و پیشینه آن می‌توان گفت که در

۱. شاخصه جهانی شدن اطلاعات رخ داده است؛
۲. پراکندگی قدرت در سطح بازیگرانی سواى دولت‌ها صورت گرفته است؛
۳. از طرفی نیز هویت سیاسى دولت‌ها کم‌رنگ‌تر و هویت فرهنگى پررنگ‌تر شده است.

۱-۲. معنویت و قدرت معنوی

اسلام دین معنویت است که در همه ابعاد زندگی، چه امور شخصی و چه امور اجتماعی، برای زندگی انسان برنامه دارد. قدرت و سیاست هم که از مباحث مربوط به اجتماع هستند، از این قاعده مستثنا نیستند. هرچند معنویت در مکاتب سیاسى لیبرالیسم هم مطرح است؛ اما در دیدگاه لیبرال که مبتنى بر جهان‌بینى سکولار است، معنویت به رابطه فرد با خدا مرتبط داده نمی‌شود و همه چیز به انسان و رابطه او با خویشتن خویش مربوط است و نه با خداوند.

در دین اسلام معنویت براساس رابطه بین انسان و خداوند ترسیم می‌شود. پایه تمامی تعالیم دین، خداخواهی است و انسان در تمام مراحل، حتى حکمرانی کردن بر دیگران، باید خداخواه و خداجو باشد که به آن تاله می‌گویند. تاله نشانه حیات آدمی است و قرآن، انسانی که خداجو نباشد را زنده نمی‌داند: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقِّ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس: ۷۰). پس انسان حی متاله است (جوادى آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹) و هرچه به خداوند نزدیک‌تر شود، معنویت وی بیشتر می‌شود. پس معنویت یعنی نزدیک شدن حی متاله به خداوند متعال. بنابراین اگر بخواهیم در جایگاه حکومت و سیاست، قدرت معنوی را تعریف کنیم، قدرت معنوی به معنای قدرتی است که به انسان‌های مؤمنی اعطا و عنایت شده که با تقرب به درگاه خداوند، حکومت اسلامی را بر پایه تعالیم و ارزش‌های دین اسلام بنا نهاده‌اند. البته سخن گفتن از قدرت معنوی، به معنای عدم توجه و عدم اهمیت به سایر مسائل مادی مهم نیست؛ بلکه رفع نیازهای مادی نیز به اندازه نیازهای معنوی برای حکومت اسلامی اولویت دارد؛ ولی در حکومت الهی اصل با امور معنوی است.

۲. فرایند تولید و به فعلیت رسیدن قدرت

برای به فعلیت رسیدن قدرت و حصول نتایج موردنظر آن به وجود عناصری کلیدی نیاز است. اصلی‌ترین عنصر در فرایند تولید قدرت،

معنوی الهی به‌عنوان منبعی مولد برای قدرت نرم تلقی شده و مشخص می‌کند که قدرت نرم متمایز از قدرت معنوی الهی است. با توجه به مباحث مطرح‌شده، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا معنویت و قدرت معنوی بر پایه اصول ارزشی دین اسلام، یکی از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌رود و نقش مولد را برای آن ایفا می‌کند و یا اینکه معنویت و قدرت مبتنی بر آن، جدای از قدرت نرم، خود یکی از انواع و مؤلفه‌های قدرت به‌شمار می‌رود، که در این صورت قدرت به سه قسم: (مادی، معنوی و نرم) تقسیم شود؟

سؤال‌های فرعی پژوهش نیز عبارتند از: مؤلفه‌های مفهومی هریک از قدرت معنوی و نرم چه تفاوتی با هم دارند؟ تفاوت منابع قدرت معنوی با قدرت نرم در چیست؟ هرکدام از آنها به چه ابزاری برای به فعلیت رسیدن و عملیاتی شدن نیازمند هستند؟ و سرانجام اینکه اگر نتیجه‌ای برای قدرت معنوی حاصل شود، چه تفاوتی با قدرت نرم خواهد داشت؟

بنابراین در این پژوهش بعد از طرح مباحث مفهومی و بیان فرایند تولید و به فعلیت رسیدن قدرت در بخش اول، به بیان تفاوت در مؤلفه‌های مفهومی قدرت نرم و قدرت معنوی الهی خواهیم پرداخت و بعد از آن منابع هریک از قدرت معنوی الهی و نرم را بیان کرده، آنگاه ابزارهای تولید هر کدام را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در نهایت با بیان تفاوت نتایج حاصله از هریک، وجه تمایز هرکدام از قدرت معنوی الهی و قدرت نرم آشکار خواهد شد.

۱. مباحث مفهومی

۱-۱. قدرت نرم

به توانایی تأثیر گذاشتن بر دیگران به‌منظور کسب نتایج از طریق ایجاد جذابیت، قدرت نرم اطلاق می‌شود. این اصطلاح را نخستین‌بار جوزف نای در سال ۱۹۸۹-۱۹۹۰ مطرح ساخت. این منبع قدرت به این دلیل نرم نامیده می‌شود که برخلاف قدرت سخت که بر عینیت‌های طبیعی، اجتماعی و ساختاری بنیان گذاشته می‌شود؛ بر نوعی ذهنیت و ادراک در طرف مقابل (تابع قدرت) مبتنی است. علاوه بر آن، قدرت نرم موجودیتی ایستا ندارد، بلکه فرایندی پویا داشته و در شرایط مختلف بازتولید می‌شود. قدرت نرم چون بر ذهنیت تکیه دارد بر اعتبار و باورپذیری استوار است. دلیل اهمیت یافتن قدرت نرم در قرن اخیر این است که:

منابع هستند، که شکل‌دهی به فرایند، ابزار موردنظر برای رسیدن به نتیجه و هدف مطلوب از فرایند قدرت‌سازی، همگی براساس آن تعیین و ترسیم می‌شوند. برای دستیابی به قدرت، ابزارهای مورد استفاده در جهت طی طریق فرایند تولید قدرت و به فعلیت رساندن آن نیز از اهمیت برخوردارند، و فعلیت یافتن قدرت منوط به استفاده درست از ابزارهاست. آخرین مرحله هم به فعلیت رسیدن قدرت و کسب نتایج آن است. بنابراین از مجموع کنار هم قرار گرفتن منابع، ابزارها و حصول نتایج، فرایند تولید قدرت شکل می‌گیرد. در هر نوع متفاوت از قدرت، این فرایند نیز به حسب منابع، ابزار و نتایج متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال، منابع قدرت سخت نیروی نظامی و ابزار به‌کارگیری آن، جنگ رودررو؛ و نتیجه حاصل از آن، پیروزی به همراه اجبار و تسلیم طرف مقابل و یا شکست خود به‌کار برنده منابع و ابزار است؛ و در نتایج حاصله، نیز هم احتمال نتیجه مثبت وجود دارد و هم نتیجه منفی. بنابراین روند تولید و به فعلیت رسیدن قدرت و حصول نتایج به این شکل است:

منابع، ابزارهای اعمال قدرت → حصول نتایج (مثبت / منفی) (نای، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳).

براین اساس، وجه تمایز انواع قدرت همین فرایند است که در هر چهار فاکتور مطرح با هم، در انواع قدرت متفاوت است.

۲-۱. تحلیل مؤلفه‌های مفهومی قدرت معنوی الهی و قدرت نرم

یکی از راه‌های شناخت تفاوت بین دو چیز، پرداختن به مفهوم آنهاست؛ زیرا غالباً با روشن شدن مفهوم، تمایزات بین دو چیز مشخص می‌شود. برای همین در ابتدا به تحلیل مؤلفه‌های مفهومی قدرت معنوی و قدرت نرم می‌پردازیم. تحلیل مؤلفه‌های مفهومی با تحلیل مفهومی قدرت متفاوت است؛ زیرا تحلیل مفهومی قدرت به دنبال ارائه تعریفی واضح از آن است؛ ولی مؤلفه‌های مفهومی، یعنی اجزاء تشکیل‌دهنده مفهوم، چیزی غیر از مراد و منظور از مفهوم آن چیز است. با نگاهی جوهرگرایانه به مفهوم قدرت، سه مؤلفه برای آن مطرح می‌شود (عامل قدرت، تابع قدرت و هدف قدرت)؛ که با کنار گذاشتن این سه فاکتور در کنار هم، تعریف مفهومی قدرت حاصل می‌شود. پس مفهوم قدرت برآیند تحلیل این سه مؤلفه است و تحلیل آنها خود بحث دیگری می‌طلبد.

همان‌گونه که در معنای معنویت گفته شد؛ معنویت رابطه انسان با خداوند است؛ حال آنکه در قدرت نرم، بحث رابطه انسان‌ها با یکدیگر است. بنابراین در تحلیل مؤلفه‌های مفهومی قدرت نرم و قدرت معنوی، ما از دو سطح رابطه صحبت می‌کنیم؛ اول، رابطه خداوند با انسان که قدرت معنوی است و دوم، رابطه انسان با انسان که قدرت نرم است. در مرحله بعد لازم است بدانیم که مفهوم قدرت از سه مؤلفه (عامل، تابع و هدف) تشکیل یافته، که هر کدام در تشکیل مفهوم قدرت و تعریف آن نقش دارند. عامل، همان به‌کاربرنده قدرت است که توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران را دارد. تابع، قدرت کسی است که تحت تأثیر عامل قدرت قرار گرفته و قدرت بر وی اعمال می‌شود. و هدف، قدرت نشانه و جهت‌گیری عامل قدرت در اعمال قدرت بر تابع است. در سطح رابطه انسان با خداوند، عامل قدرت فقط خداوند است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بقره: ۱۶۵)؛ ولی در قدرت نرم چون سطح رابطه، انسانی است؛ عامل قدرت هم انسان است. حال یا این انسان مأذون از جانب خداوند است و قدرت وی حقایق و مشروعیت الهی دارد؛ یا اینکه قدرت وی مشروعیت الهی ندارد. اگر عامل، شایسته قدرت باشد که خلیفه‌الله خواهد بود و حرف و عمل وی همان حرف و عمل خداوند خواهد شد؛ لذا این قسم به همان عامل بودن خداوند رجوع دارد: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴). اما اگر عامل قدرت، به ناحق دارای قدرت باشد، قدرت وی دیگر حقایق نخواهد داشت و عامل، قدرت انسانی خواهد بود و به سطح رابطه انسان با انسان تنزل خواهد کرد. در مورد تابع قدرت و قدرت معنوی که قدرت، تنها از آن خداوند است و دیگران چون خداوند خالق و مالک آنهاست؛ هیچ حقی بر او ندارند و بنابراین باید اطاعت مطلق از وی به عمل بیاورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). ولی زمانی که عامل قدرت انسان است؛ دیگران چون نه عامل، مالک آنهاست و نه خالق آنها؛ به‌دلیل جایگاهی که در عاملیت به وی داده‌اند، صاحب حقوقی می‌شوند و دیگر مطیع مطلق نیستند؛ مانند حق انتخاب کردن حاکم. در تحلیل هدف قدرت هم اگر خداوند عامل باشد و یا انسان به‌عنوان

۲-۳. ابزارهای تولید قدرت معنوی الهی و قدرت نرم

داشتن منبع قدرت به معنای داشتن قدرت نیست و فعلیت یافتن قدرت منوط به طی فرایندی است که به آن فرایند تولید قدرت می‌گویند. هم قدرت نرم و هم قدرت سخت برای به فعلیت رسیدن باید این فرایند را طی کنند. برای طی این فرایند در قدرت نرم، سه نظریه متفاوت وجود دارد که با ارائه سه مدل متفاوت همراه بوده تا ابزار مناسب برای به فعلیت رسیدن قدرت نرم را بیان کند: ۱. مدل احتمال تجزیه و تحلیل؛ که براساس آن هرچه سنخیت بین عامل قدرت نرم و تابع آن بیشتر باشد، اعتبار و جذابیت هم بیشتر است؛ اما شناخت این سنخیت، به تجزیه و تحلیل نیاز دارد؛ ۲. مدل شش مرحله‌ای هاولند (۱. در معرض پیام قرار گرفتن؛ ۲. توجه به پیام؛ ۳. درک پیام؛ ۴. پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام؛ ۵. یادآوری نگرش جدید؛ ۶. تبدیل نگرش به ساختار)؛ ۳. مدل ناهماهنگی شناختی؛ که براساس آن هر عنصر اجتماعی که ناهماهنگی ایجاد کند را با عناصر هم‌سنخ خویش شناسایی و در به‌کار بردن آن باید محتاط بود (شجاعی، ۱۳۹۸، ص ۷۴-۷۷). این سه مدل، سه ابزار اقناع‌سازی و تولید قدرت نرم هستند. اما ابزارهای ایجاد قدرت معنوی کاملاً متفاوتند و جنبه ایمانی دارند، یعنی برای برخورداری از قدرت معنوی به الزاماتی نیاز است، که با به‌کارگیری آنها می‌توان واجد قدرت معنوی خداوند شد. با این تفاسیر قدرت معنوی الهی از دسترس بشر به‌دور نیست؛ بلکه با رعایت الزاماتی امکان دستیابی به قدرت معنوی خداوند خواهد بود. الزامات برخورداری از قدرت معنوی به این صورت است که اولاً انسان باید حاکمیت خداوند را بر گیتی پذیرفته و از ولایت خداوند و والیان شایسته وی که انبیاء، ائمه معصومان علیهم‌السلام و فقهای شیعه به نصب عام هستند، اطاعت کند: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف: ۴۰) و در مرحله بعد به اسلام ناب محمدی و آرمان و ارزش‌های اصیل آن ایمان و باور داشته باشیم (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۹۸) و به‌عنوان شرط آخر تا واپسین نفس تلاش کرده و در صحنه مبارزه حق علیه باطل همیشه حضور داشت و جانانه مقاومت کرد و هرکجا که به حضور نیاز بود، حتماً امت خداجو وارد صحنه شوند.

بنابراین هم التزام قلبی به اسلام نیاز است و هم التزام عملی؛

خليفة وی در روی زمین هدفی جز هدایت انسان‌ها در مسیر کمال و سعادت چه دنیوی و چه اخروی، نخواهند داشت: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور: ۵۴). اما اگر انسان‌ها عامل باشند، اهداف مادی آنها بر معنوی اولویت خواهد یافت و با این کار، جامعه را به سمت گمراهی خواهد کشاند: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص: ۴۱). با پایان یافتن این تحلیل مشخص می‌شود که مؤلفه‌های مفهومی قدرت معنوی با قدرت نرم تفاوت زیادی دارند؛ زیرا عامل قدرت نرم، دولت‌ها هستند، ولی عامل قدرت معنوی خداوند است. در نتیجه هم وضعیت تابعان قدرت متفاوت خواهد بود و هم اهداف قدرت؛ و این تفاوت‌ها باعث بروز تعاریف متفاوتی از این دو نوع قدرت خواهد شد، که قدرت معنوی به معنای تجلی قدرت خداوند به‌وسیله خودش، یا عامل شایسته وی بر انسانی که حی متاله است، به هدف هدایت وی به کمال و سعادت؛ و قدرت نرم به معنای به‌کارگیری قدرت توسط دولت‌ها و انسان‌ها برای تأثیر بر دیگر انسان‌ها و حکومت‌هاست، با به‌کارگیری عنصر جذابیت.

۲-۲. منابع قدرت معنوی الهی و قدرت نرم

منبع و منشأ اصلی قدرت معنوی، خداوند متعال است و به این دلیل که خداوند همه کمالات وجودی را داراست، صفت قدرت را نیز دارد و او قادر مطلق است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲). اما قدرت نرم بنا بر آنچه که جوزف نای بیان می‌دارد، ریشه در سه منبع بنیادین دارد: ۱. فرهنگ‌ها (در جایی که برای دیگران هم گیرایی و نفوذ و جذابیت داشته باشند)؛ ۲. ارزش‌های سیاسی (چنانچه خود در درون و بیرون به آنها وفادار باشند)؛ ۳. سیاست‌های خارجی (چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند) (نای، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵). اما قدرت نرم تنها محدود به همین منابع نیست؛ بلکه گاهی حتی اقتصادی پویا و بهره‌مند و مدیریت شده و نیروی نظامی منظم و پیشرفته هم توانایی ایجاد جذابیت و در نتیجه تولید قدرت نرم را خواهند داشت (همان، ص ۱۲۶). بنابراین با تأمل در منابع قدرت معنوی الهی و قدرت نرم، متوجه تفاوت این دو سنخ قدرت از هم می‌شویم.

می‌خواهد: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷). بنابراین چون اینجا انسان‌ها در برابر قدرت بی‌پایان خداوند اختیاری از خود نخواهند داشت، اساساً برابری مثبت و منفی هم وجود نخواهد داشت؛ تا مانند قدرت نرم نتیجه منفی حاصل شود، و هرچه هست چون از خیر مطلق خداوند سرچشمه می‌گیرد، تماماً مثبت و خیر است (طوسی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۶۸).

علاوه بر این باید گفت که، نتایج حاصله از قدرت نرم قابل ارزیابی است. شاید به‌صورت کمی نتوان این نتایج را محاسبه کرد؛ ولی به‌لحاظ معیارهای کیفی، نتایج حاصله قابلیت تحلیل و بررسی را دارند؛ لکن نتایج حاصله از قدرت معنوی با پارامتری خاص و معیاری روشن و متقن قابل اندازه‌گیری و ارزیابی نیست؛ زیرا این پارامترها مادی هستند؛ درحالی که قدرت معنوی الهی با معیارهای مادی قابل سنجش نیست. البته در قرآن کریم معیارهایی برای برخورداری از قدرت الهی یا تلاش برای حصول شرایطی برای مؤمنان به جهت برخورداری از قدرت معنوی الهی بیان شده است؛ اما با این‌حال با معیارهای مادی نمی‌توان نحوه، اندازه و مقدار قدرت معنوی الهی را محاسبه کرد. نمونه این نوع قدرت معنوی را می‌توان در کمک خداوند به مؤمنان در جنگ بدر مشاهده کرد: «أَذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابْ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹). البته نمی‌توان گفت چرا خداوند با هزار فرشته به مسلمانان کمک کرده است؛ و چرا این مقدار بیشتر و یا کمتر نبوده است. اینکه نمی‌توان با معیارهای مادی، قدرت معنوی را سنجید، نه تنها نقص و عیب برای قدرت معنوی الهی نیست؛ بلکه مزیتی برای آن تلقی می‌شود؛ زیرا امید و انگیزه ایجاد می‌کند و در جایی که از لحاظ کمی و حساب مادی و دنیوی راهی برای کمک و امداد پیدا نشود، هنوز امید به قدرت معنوی الهی و امداد غیبی وجود دارد؛ مانند کمک خداوند به انقلاب اسلامی با نابود کردن لشکر آمریکا به‌وسیله شن‌های صحرای طبس. در جایی که اطلاع کافی و امکانات مادی برای مقابله با دشمن وجود نداشت؛ لکن خداوند متعال با قدرت معنوی و الهی خویش به مدد انقلاب اسلامی رسید. بنابراین بین نتایج حاصله از قدرت نرم و قدرت معنوی الهی تفاوت وجود دارد و یکی دارای دیرپایی و عمق و دیگری زودگذر و سطحی است.

که اگر هر دو وجود داشته باشند، جهاد بزرگی در راه خدا شکل خواهد گرفت و خداوند راه‌های پیروزی را نشان جهادگران راه خویش خواهد داد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹). پس با توجه به آنچه که بیان شد، فرایند و ابزارهای برخورداری از قدرت معنوی - الهی و قدرت نرم برای حصول نتایج این دو سنخ از قدرت هم، متفاوت خواهند بود.

۲-۴. حصول نتایج قدرت معنوی الهی و قدرت نرم

در قدرت نرم حصول نتایج و مصادیق بیرونی حاصل‌شده از فرایند تولید قدرت، هم به‌صورت مثبت خواهد بود و هم منفی، یعنی به این صورت نیست که با طی فرایند مذکور در قدرت نرم به‌نحو الزام نتیجه مطلوب حاصل شده و تصویری مثبت نسبت به یک حکومت و یا دولت در ذهن مخاطب شکل بگیرد. نمونه بارز آن را می‌توان در قدرت نرم کشور آمریکا ملاحظه کرد که با صرف هزینه‌های هنگفت تبلیغاتی و کاربرد و تبلیغ زیاد منابع قدرت نرم در منطقه غرب آسیا، هنوز منفورترین چهره در جهان اسلام، آمریکا دانسته می‌شود. از طرفی هم باید گفت چون ارزش‌های موجود در قدرت نرم به‌وسیله قراردادهایی بین انسان‌ها وضع شده و از ارزش‌های اصیل و مطلق دینی گرفته نشده‌اند؛ بنابراین ماهیتی نسبی دارند و قابل تغییر می‌باشند. لذا ممکن است نتایج حاصله از آنها نیز به یک‌باره تغییر کنند و عکس نتیجه مطلوب در مورد جذابیت‌آفرینی برای قدرت نرم رخ داده و تصویری منفور از کشور دارای آن ارزش، در ذهن مخاطب ایجاد شود. ضمن اینکه به‌دلیل زمان‌بر بودن و همچنین به دلیل آنکه کنترل همه امور در عصر حاضر برای دولت‌ها سخت شده و گستردگی شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات جمعی در همه جوامع زیاد شده است، حصول نتایج برای قدرت نرم بسیار سخت و دشوار شده است. اما قدرت معنوی خداوند به این دلیل که مبتنی بر ارزش‌های اصیل و حقیقی دین مبین اسلام است؛ اولاً قابل تغییر نیست و همیشه ثابت می‌ماند: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲). بنابراین نتایج حاصله از ارزش‌های دین اسلام متغیر نخواهند بود. علاوه بر آن چون در قدرت معنوی خداوند تابع قدرت، مستخر و مقهور موجودی برتر از خود است، مضطر و مجبور است و همان‌گونه می‌شود که خدا

نتیجه‌گیری

با مقایسه بین قدرت نرم و قدرت معنوی در اسلام، به تفاوت بین این دو نوع از قدرت پی بردیم و مشخص شد که قدرت معنوی الهی سنخ دیگری از قدرت است که در کنار قدرت نرم و قدرت سخت قرار می‌گیرد. بنابراین قدرت معنوی از منابع مولد قدرت نرم نبوده و با آن متفاوت و متمایز است. با مقایسه بین مؤلفه‌های مفهومی هر کدام از قدرت معنوی و قدرت نرم، تمایزات مفهومی در عامل، تابع و هدف آنها آشکار گردید. در زمینه منابع مولد قدرت، قدرت معنوی الهی بر قدرت بیکران خداوند تکیه دارد و تکیه‌گاه قدرت نرم، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌هاست. ابزار به فعلیت رسیدن قدرت معنوی، التزام قلبی و عملی به اسلام ناب محمدی است؛ در حالی که ابزار فعلیت یافتن قدرت نرم مدل‌های مادی و قابل تحلیل است. نتایج حاصل شده از قدرت معنوی الهی همواره مثبت بوده و دارای عمق و دیرپایی است؛ ولی نتایج حاصله از قدرت نرم ممکن است منفی بوده و گذرا و سطحی باشد. بنابراین ماهیت قدرت نرم با قدرت معنوی در اسلام متفاوت بوده و هر کدام دارای مؤلفه‌های مفهومی، منابع، ابزار و نتایج متفاوتی از یکدیگر هستند.

منابع.....

- جمال‌زاده، ناصر و محمد حسنی تبار، ۱۳۹۷، «قدرت معنوی در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۷، ص ۱-۱۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تفسیر انسان به انسان*، چ هشتم، قم، اسراء.
- شجاعی، هادی، ۱۳۹۸، *منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طوسی، نصیرالدین، ۱۴۰۵ق، *تلخیص المحصل*، چ دوم، بیروت، دارالاضواء.
- عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، *بنیادهای علم سیاست*، چ بیست و ششم، تهران، نشر نی.
- فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی، چ دوم، تهران، هرمس.
- محمدی، منوچهر، ۱۳۹۶، *مؤلفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی*، تهران، خبرگزاری فارس.
- میراحمدی، منصور، ۱۳۹۲، *قدرت*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت در عصر اطلاعات*، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____، ۱۳۸۹، *قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل*، ترجمه محسن عزیزی، تهران، ساقی.
- _____، ۱۳۹۲، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، چ پنجم، تهران، نشر نی.